

کتابِ چای



فلسفهٔ حضور چای در فرهنگ، تمدن و اجتماع شرقی

اوکا کورا کاکوزو
ترجمهٔ اسدالله حقانی

فهرست

۷	۱ یک پیاله آدمیت
۲۱	۲ مکاتب چای
۳۳	۳ مکاتب تان و دد
۴۹	۴ اتاق چای
۶۵	۵ درک هر
۷۵	۶ گل‌ها..
۹۱	۷ اساتید چای

۱ یک پیاله آدمیت

چای در لباس دارو و با خصوصیات متعدد سلامت بخشی قدم به دیای اسان‌ها گذاشت و کم‌کم به یک نوشیدنی محبوب بدل شد در چین قرن هشتم، چای به عنوان یک سرگرمی متشخصانه به عرصه شعر وارد شد در قرن پانزدهم شاهد آن بودیم که ژاپن چای را به مرتبه یک کیش ریایی پرستی - یا همان «چای‌گرایی»^۱ - رساند مسای فرقه چای‌گرایی بر ستایش ریایی‌هایی است که از حقایق فرومایه رندگی رورمره بیرون کشیده می‌شوند از حصیصه‌های این کیش می‌توان حلوص و توارن، خوش‌قلی متقابل و آرمانی‌سازی نظم اجتماعی را برشمرد چای‌گرایی اساساً ستایش ناکامل‌هاست، ریرا در واقع تلاشی است سسحیده برای دستیابی به چیزی ممکن، در این متاع ناممکن که آن را با نام رندگی می‌شاسیم

فلسفه چای صرفاً به برداشت معمول ما از عبارت «ریایی پرستی» حتم نمی‌شود، ریرا علاوه بر احلاق و مذهب، دیدگاه کامل ما نسبت به اسان و طبیعت را ابرار می‌کند فلسفه چای علم بهداشت است، چون بر

تمیزی اصرار می‌وردد، علم اقتصاد است، چون راحتی را در سادگی می‌بید، نه در پیچیدگی و گرانمایی، علم اخلاق است، چون به تعریف حس تناسب ما با گیتی می‌پردازد فلسفه چای بارماید روح حقیقی دموکراسی شرقی است، زیرا سلیقه همه هواخواهان را - فارغ از جایگاه اجتماعی‌شان - به سلیقه بحیرادگان نزدیک می‌کند

ابروای مدید ژاپن از سایر ملل دنیا - که ما را به درون‌کاوی عمیقی سوق داد - برای رشد و توسعه چای‌گرایی بسیار مطلوب بوده است حانه و زندگی ما، لباس پوشیدن و آشپزی ما، سهالگری، حلاکاری، نقاشی و حتی همین ادبیات ما همه و همه تحت تأثیر چای‌گرایی بوده‌اند نمی‌توان یک هوادار فرهنگ ژاپنی را یافت که از حضورش عاقل باشد چای‌گرایی هم به طرافت حلوتگاه‌های رمان اشرافی نفوذ کرده و هم به کلبه حقیرانه درویشان قدم گذاشته است در نتیجه آموزه‌های این فرقه، دهاتی‌های ما هر گل‌آرایی را آموخته‌اند و دون‌پایه‌ترین کارگران ما قدر انواع و اقسام سگ‌ها و آب‌ها را دانسته‌اند در گفتگوهای روزمره‌مان وقتی کسی از حدایت‌های سریوکامیک^۱ یک درامای شخصی سر دوق نمی‌آید، او را فردی «بی‌چای» می‌نامیم برعکس، آن ریابریست رام‌اشدنی را که فارغ از تراژدی‌های میرای دیوی در دریای احساسات آرادانه‌اش آشوب به پا می‌کند فردی «پُرچای» می‌خوانیم

این‌ها شاید در نظر کسی که از بیرون به جامعه ژاپنی می‌نگرد هیاهوی بسیار بر سر هیچ باشد حتماً با خودش می‌گوید چه طوفانی در یک پیاله چای نه پا کرده‌اند! اما وقتی می‌بینیم طرف لدت‌جویی انسانی چقدر کوچک است - چقدر رود از اشک لریز می‌شود و چقدر آسان برای ارضای عطش سیری‌ناپذیرش به اندیت ته می‌کشد - باید هم

خودمان را به خاطر پر و نال دادن نه یک پیاله چای سرریش کنیم اما بیش از این‌ها بشر مرتکب گناهان بدتری هم شده است در پرستش ناکوس^۱ ما خیلی خودسرانه دستان را به خون قربانی آلوده‌ایم و حتی رح حویس مارس را دیگرگون ساخته‌ایم^۲ چرا خودمان را وقف ملکه کاملیا^۳ نکنیم و در بهر گرم عطوفتی که از قربانگاهش روان است^۴، دمی نه عیش نگذرانیم^۵ در این عسر مایعی که درون پیاله‌های سفالین عاجی‌رنگ خوش می‌بماید، شاید نتوانیم کم‌گویی شیرین کهوسوسوس^۶، تدوتیری لائوتسه^۷ و عطر حاودانه^۸ نودا^۹ را لمس کنیم

۱ Bacchus رب‌الووع سراب و ناده در افسانه‌های روم (یونان به آن دیونیسوس Dionysus می‌گفتند) این کلمه معنای خود شراب را هم بداعی می‌کند و اس‌حا منظور از خون همان سراب است و قربانی خود انسان

۲ Mars. در اساطیر ابتدا خدای ناروری، حاصلخیزی و بود، اما در سده دوم پیش از میلاد، برخی محافظه‌کارها به مردم توصیه کردند که ناند قربانی‌هایی را پیسکس این خدا کسد تا از محصولات و گلدهاسان محافظت کند و اس قربانی‌ها را هر سال تکرار کسد آن‌ها مارس را خدای محافظ خود در برابر «بهاجم» افاب و سماری‌های گناهان می‌دانستند، اما وفی فون جنگاوری آموحد و از حرفه کشاورزی بیرون حسسد، مارس هم به خدای جنگ و محافظت از آن‌ها در برابر دشمنان انسانی بدل شد

۳ معمولا از گل‌ها و بونه‌های این گناه، که در رانی آن را سوباک (tsubaki) می‌نامند حای درسد می‌کسد اما اس گل به خاطر ریانی‌اس به حای ریتی هم معروف است

۴ اساره نه دموس با چای که برخلاف خدایان و الهه‌های پیشش، حسری از خون‌ریزی و قربانی کردن در ان سست

۵ Confucius (۴۷۹-۵۵۱ پیش از میلاد) مسهورنرس فیلسوف، نظریه‌پرداز سیاسی و معلم در حن ناسان است

۶ Laozi یا Laitse (۶۰۱-۵۳۱ پیش از میلاد) با نام اصلی «لی اره» معروف به «اساد کهن» با «اساد پیر» بوده است با آرحانی که مدارک تاریخی سان می‌دهد، او به احتمال زیاد اولس فیلسوف مسهور حسی در رمان سلسله حواس

۷ Shakyamuni Gautama Buddha (۵۶۳-۴۸۳ پیش از میلاد) سحصب محوری در آس بودایی است نه ناور بودایان، او آموزگاری نذارسده بود که به کمال نودا رسده بود و بصرب خود را در احسار دیگران گذاست با بولد و رحر کسدن در موجودات دارای حن نانا نگرد